



در مسیر اعتمادسازی

بازخوانی تجربه دو دهه جشنواره شعر فجر

در گفت‌وگو با سید علی میرافضلی دبیر بیستمین دوره

جوایز ادبی

راضیه خوئینی

گروه کتاب

بیستمین دوره جشنواره شعر فجر در شرایطی به ایستگاه پایانی خود رسیده که بیش از هر زمان دیگری، با پرسش‌هایی جدی درباره جایگاه این رویداد، میزان اثرگذاری آن در جریان شعر امروز ایران، نسبت آن با شاعران و جریان‌های متنوع ادبی و همچنین میزان استقبال شعرا از این رویداد مواجه است. جشنواره‌ای که از یک‌سو، به پشتوانه حمایت‌های رسمی و گستردگی ساختار اجرایی، داعیه جامع‌نگری و دآوری همه آثار تولیدشده طی یک سال را دارد و از سوی دیگر، همواره با نقدهای درباره نحوه دآوری و فاصله گرفتن از بخشی از جامعه شعری مواجه بوده است. در چنین فضایی، گفت‌وگو با دبیر علمی این دوره از جشنواره، فرصتی است برای بازخوانی این تجربه ۲۰ ساله؛ تجربه‌ای که هم نقاط قوت دارد و هم کاستی‌هایی که به گفته دبیر علمی جشنواره شعر فجر امسال، تنها با بازنگری، گفت‌وگوی بین جریانی و استمرار نگاه همه‌جانبه‌گر می‌توان به ترمیم آنها امیدوار بود. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وویی تفصیلی با سیدعلی میرافضلی است؛ شاعری که از منظر تجربه شخصی و مسئولیت اجرایی، درباره فراز و فرودهای جشنواره شعر فجر، دآوری‌ها، مشارکت شاعران و چشم‌انداز آینده این رویداد ادبی سخن گفته است.

امسال بیستمین دوره جشنواره شعر فجر برگزار می‌شود. این رویداد ادبی در طول دو دهه گذشته چقدر توانسته جریان‌ساز باشد و در معرفی شاعران تازه‌نفس و چهره‌های شاخص شعر معاصر نقش ایفا کند؟

جشنواره شعر فجر تا حدودی در تحقق این هدف ارزشمند موفق بوده است؛ بویژه در زمینه شناسایی و معرفی استعدادها و چهره‌های نوظهور، نقش قابل توجهی ایفا کرده و تأثیر مثبتی داشته است. با این حال، اینکه این جشنواره بتواند به اصطلاح «آینه‌دار» شاخص‌ترین آثار جریان‌های شعر هر سال باشد، میان صاحب‌نظران مناقشه وجود دارد. دلیل این امر آن است که همه ظرفیت ادبی هر سال که در قالب کتاب یا اثر به منصف ظهور می‌رسد، در این جشنواره امکان حضور پیدا نمی‌کند؛ چه خواسته و چه ناخواسته. برخی شاعران یا ناشران تمایل چندانی به مشارکت نشان نمی‌دهند. برخی هم سلايق داواران و برگزارکنندگان را مانع دیده‌شدن آثار می‌دانند. از این منظر، هنوز نقصان‌ها و کاستی‌هایی وجود دارد که برطرف نشده است و باید صادقانه به آن اذعان کرد. به عبارت دیگر، جشنواره هنوز نتوانسته اعتماد و مشارکت کامل تمامی فعالان عرصه شعر کشور را جلب کند تا بتوانند در یک رقابت منصفانه، دور از سلايق شخصی و نگاه‌های محدود، حضور داشته باشند.

برخی منتقدان معتقدند جشنواره در دوره‌هایی به رویدادهایی تک‌صدایی تبدیل شده و گاه اعمال سلیقه‌های خاص در آنها دیده شده است؛ حتی این باور وجود دارد که برگزیدگان از پیش مشخص بوده و جوایز به طیفی محدود تعلق می‌گیرد. جشنواره امسال تا چه اندازه می‌تواند این ذهنیت را تغییر دهد؟

این نقد تا حدودی درست است. گاهی در برخی دوره‌ها این اعمال سلیقه‌ها نقش تعیین کننده‌ای در انتخاب برگزیدگان و اینکه کدام گروه از شاعران جزو برگزیدگان قرار بگیرند

داشته است. در دوره‌هایی تنها یک صدا و یک سلیقه و نگاه خاص بر جشنواره حاکم بوده است. این اتفاق افتاده و دوستانی که چنین نقدی را مطرح می‌کنند، استادشان به برخی دوره‌های جشنواره است که به صورت سهامی خاص اداره شده و این استنادها را نمی‌توان نادیده گرفت. ولی اینکه برگزیدگان از پیش تعیین شده باشند، بسیار دور از ذهن است و من موردی سراغ ندارم. فقط از این جهت که مثلاً گاهی اعمال سلیقه شده و به شعری توجه شده که به نگاه حاکم نزدیکتر بوده انکارپذیر است.

براساس صحبت‌های قبلی‌ام با دبیرخانه جشنواره فجر، امسال تلاش همه دست اندرکاران بر این بوده که همه جریان‌های شعری کشور امکان حضور و رقابت یکسان داشته باشند. انتخاب هیأت علمی و داواران نیز از جریان‌ها و طیف‌های مختلف صورت گیرد تا بتوانند آینه‌دار تنوع جریان‌های شعری باشند. جشنواره امسال تا اندازه‌ای در این مسیر موفق بوده؛ هر چند که من شخصاً خودم را کامیاب نمی‌دانم. هنوز آن اعتماد کافی بین جامعه ادبی ما و سیستم علمی و اجرایی جشنواره شکل نگرفته؛ طوری که همه شعرا یا ناشران مشارکت خودشان را اعلام کنند. از برخی دوستان دعوت کردیم که در این رویداد به‌عنوان هیأت علمی یا داور حضور داشته باشند؛ اما به دلایل مختلف، از جمله پیشینه ذهنی یا تجربه‌های گذشته، از مشارکت اجتناب ورزیدند. به همین دلایل ما دچار نوعی خسران هستیم که هدف ما به طور کامل محقق نشده است. با این حال دوستانی که به دعوت ما برای دآوری پاسخ دادند کوشیده‌اند سلیقه‌های متنوع را در انتخاب‌های خود لحاظ کنند. از این جهت که نتوانستیم جلب مشارکت کامل کنیم، من از نگاه شخصی خودم؛ نه دبیرخانه جشنواره، برای خودم نمره کمی بالاتر از حد متوسط لحاظ می‌کنم. اگر این نگاه همه‌جانبه‌گر در جشنواره استمرار پیدا کند، می‌توان امیدوار بود که دیوار بی‌اعتمادی موجود میان جریان‌های شعری و جشنواره شعر فجر به تدریج نازک‌تر شود یا حتی کاملاً فرو بریزد.

لطفاً درباره معیارها و شیوه انتخاب هیأت علمی و گروه داواران جشنواره توضیح دهید؟

در انتخاب اعضای هیأت علمی بیشتر نگاه ما بر این بود که افراد معتبر و باسابقه حضور داشته باشند؛ کسانی که هم در سرودن شعر دستی قوی داشته باشند و هم در حوزه مباحث نظری شعر، نقد، پژوهش و نظریه‌پردازی صاحب‌نظر باشند و هم نماینده سلايق مختلف باشند. عمدتاً اساتید دانشگاه و شاعرانی مدنظر بودند که ذوق شعری پخته و ارتقا یافته‌ای داشتند ما سعی کردیم در انتخاب هیأت علمی این ملاک‌ها عملی شود، خوشبختانه در این بخش تا حدودی کامیاب بودیم. انتخاب داواران نیز بر عهده هیأت علمی بود و آنها با اجماع و با در نظر گرفتن همین معیارها، داوارانی را برگزیدند. البته باید اذعان کرد دست هیأت علمی نیز کاملاً باز نبود؛ از این جهت که بعضی از دوستان مد نظر هیأت علمی، به صورت خودخواسته و بنا به دلایلی که تا حدودی قابل درک است از مشارکت اجتناب کردند. با وجود این، داوارانی که حضور داشتند، تلاش کردند نگاه همه‌جانبه‌گر و جامع‌تری در دآوری اعمال کنند. در کل ملاک‌ها بر همین اساس بوده، یکی برخورداری از تجربه کافی در امر دآوری، تجربه موفق در سرودن شعر و نمایندگی سلیقه‌های متنوع.

جشنواره شعر امسال چه مراحلی داشته و اگر بخواهید این دوره را با دوره‌های پیشین مقایسه کنید، مهم‌ترین تفاوت آنها چیست؟

ابتدا قرار بود مراسم افتتاحیه‌ای برای جشنواره شعر فجر برگزار شود؛ اما این برنامه لغو شد و نامزدها از طریق خبرگزاری‌ها معرفی شدند. مراسم اختتامیه جشنواره شعر فجر روز دوشنبه ۱۳ بهمن از ساعت ۱۶ در تالار قلم کتابخانه ملی برگزار می‌شود و در آن شاعران و آثار برگزیده معرفی و تجلیل خواهند شد. من خودم بعد از آغاز جشنواره و اعلام فراخوان به این مجموعه پیوستم. البته به دلیل شرایط خاصی که در آن قرار گرفته‌ایم برخی از برنامه‌های جنبی که از قبل پیش‌بینی شده بود، اجرائی نیست. با این حال، برنامه اصلی جشنواره، یعنی دآوری و انتخاب آثار برتر، کتاب‌های برتر در حوزه شعر امروز ایران و نیز اشعار حوزه کودک و نوجوان؛ به سرانجام رسیده و دیگر باید منتظر اعلام نتایج نهایی در مراسم اختتامیه باشیم.

جشنواره شعر فجر نسبت به دیگر رویدادهای فرهنگی دولتی مشابه و نیز جشنواره‌های خصوصی، چه جایگاهی دارد؟

در مقایسه با جشنواره‌های خصوصی می‌توان گفت جشنواره شعر فجر از حیث گستردگی کار و امکانات اجرایی در جایگاه متفاوتی قرار دارد؛ چرا که به هر حال از حمایت دولت برخوردار است و بودجه‌های مشخصی برای آن تعیین شده است. از این منظر، نسبت به بسیاری از جشنواره‌های دیگر و جوایز خصوصی که به صورت موردی و محدود و با بودجه کم اهدا می‌شوند، برتری‌هایی دارد. با این حال، نمی‌توان به طور قاطع گفت در همه جهات از جایز خصوصی در حوزه شعر برتر است. چون برخی جوایز خصوصی و غیردولتی، با مشارکت فعال‌تر و استقبال بیشتری از سوی شاعران مواجه می‌شوند. در واقع دولتی بودن این جشنواره، برای بخشی از شاعران ما به نوعی مانع درونی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود تمایلی به حضور در چنین رویدادهایی نداشته باشند و این واقعیتی غیرقابل انکار است. از این جهت شاید آنها در آن بخش‌ها بتوانند خودشان را بهتر عرضه و معرفی کنند. ولی از این جهت که جشنواره شعر فجر همه آثار منتشر شده طی یک سال را بررسی می‌کند، می‌توان گفت جامعیت بیشتری دارد.

جشنواره امسال در چند بخش برگزار شده است؟ ارزیابی شما از کیفیت آثار ارسال شده در هر بخش چیست؟ کدام بخش‌ها را قوی‌تر و کدام بخش‌ها را ضعیف ارزیابی می‌کنید؟

مطابق روال سال‌های قبل، داواران جشنواره کتاب‌های شعر منتشر شده در سال شمسی قبل از برگزاری جشنواره یعنی امسال کتاب‌ها و اشعار سروده شده در ۱۴۰۳ شمسی را دآوری می‌کنند. این دآوری در سه حوزه انجام می‌شود: شعر کودک و نوجوان، شعر بزرگسال و کتاب‌هایی که درباره شعر هستند؛ یعنی آثاری با موضوع نقد، نظریه‌پردازی و بررسی شعر. امسال یک بخش جنبی نیز به جشنواره اضافه شده که امکان ارسال تک‌اثر را برای افراد و شاعرانی که کتاب منتشر شده ندارند ولی به فراخوان جشنواره جواب مثبت داده‌اند و آثار انفرادی خود را ارسال کرده‌اند فراهم آورده است. این بخش جنبی چند سال پیش هم وجود داشت ولی حذف شده بود که امسال مجدداً این بخش بازگشته و اتفاق مثبتی برای شاعران فاقد کتاب محسوب می‌شود. در بخش شعر بزرگسال آثار در سه گروه بررسی می‌شوند: شعر کلاسیک یا شعر سنتی و قالب‌های سنتی؛ شعر نو به طور عام و شعر

محاوره. از نظر کمی، آمار آثار ارسال شده از جهت شمار کتاب‌ها، امسال نسبت به سال گذشته افزایش داشته که این مسأله تا حد زیادی به مسأله نشر بازمی‌گردد. از لحاظ کیفی، بر اساس مروری کلی که من داشتم، نمی‌توان گفت شاهد یک جهش یا تحول خاصی در شعر امروز ایران بوده‌ایم. باید توجه داشت که این مسأله صرفاً مربوط به جشنواره نیست و به فضای شعر امروز کشورمان ربط دارد. در کل نمی‌توان گفت تحول جدیدی در شعر امروز رخ داده یا چهره خیلی شاخص یا سبک خاصی ظهور کرده است. جریان شعری ما طی دو، سه سال اخیر تقریباً تکرار همان جریان‌ها و چهره‌هایی است که در گذشته بوده و همان جریان‌ها و چهره‌های تثبیت شده گذشته، همچنان در کنار یکدیگر حضور دارند و آثارشان را ارائه می‌دهند.

شیوه برگزاری جشنواره‌های شعر فجر، دآوری‌ها و نحوه اهدای جوایز، در دوره‌ها و دولت‌های مختلف اغلب دستخوش تغییرات فراوانی بوده است. نبود یک رویکرد ثابت در سیاست‌گذاری‌ها، چه آسیب‌هایی به نتیجه نهایی و میزان اثرگذاری این جشنواره‌ها وارد می‌آورد؟ شما به عنوان شاعری مطرح و با توجه به تجربه‌تان به عنوان دبیر علمی این دوره، چه پیشنهادی برای بهبود این روند دارید؟

جشنواره شعر فجر اکنون به بیستمین سال برگزاری خود رسیده و در این دو دهه، افراد بسیاری در مقام دبیر علمی یا مسئول اجرایی حضور داشته‌اند و تجربه‌های متعددی در برگزاری جشنواره شعر کسب شده است. این جشنواره در حال حاضر به یک نقطه تثبیت و روال مشخص رسیده و شاید وقت آن رسیده باشد که یک بازنگری و بازخوانی جدی در این روند داشته باشد. برای اثرگذاری بیشتر این جشنواره در جریان شعر امروز، باید گروهی از صاحب‌نظران از سوی دبیرخانه دعوت شوند تا ارزیابی دقیقی از تجربیات این دو دهه برگزاری جشنواره ارائه دهند و پیشنهادهای عملی برای ایجاد تحول و کارآمدتر شدن جشنواره مطرح کنند تا در دستور کار جشنواره بعدی قرار بگیرد. این اتفاق امسال به دلایل مختلفی رخ نداد. ولی از نظر من از فردای اختتامیه برای کارآمدتر و مؤثرتر شدن هر چه بیشتر جشنواره شعر فجر، باید این نشست‌های تخصصی آغاز شود و نشست‌نظرانی از همه طیف‌های مختلف در این نشست‌ها حضور یابند. پیشنهادهایی که امکان عملی شدن آنها وجود دارد، جمع‌آوری شود و در روند برگزاری جشنواره سال آینده اعمال شود. به نظر من یکی از مشکلات ما همین باز زمانی کوتاه برای ارزیابی آثار است؛ زیرا فرصت یک ارزیابی دقیق و همه‌جانبه با توجه به حجم آثار برای هیأت علمی و داواران وجود ندارد و این شرایط محدود آنها را در تنگنای زمانی قرار می‌دهد. یک پیشنهاد هم می‌تواند دو مرحله‌ای شدن جشنواره باشد. در صورت، جشنواره شعر نیازمند یک تحول جدی است.

شعر فارسی همواره در فرهنگ ما ایرانیان جایگاهی ویژه داشته است؛ اما برخی معتقدند در مقایسه با سینما، تئاتر و موسیقی، حتی هنرهای تجسمی کمتر به آن توجه می‌شود و جشنواره شعر فجر آرتچان توجیه که باید دیده نمی‌شود؛ تا جایی که بسیاری از مردم حتی از برگزاری آن بی‌خبرند. این مسأله را چقدر ناشی از شیوه برگزاری جشنواره می‌دانید و امسال چه اقداماتی برای دیده شدن هر چه بیشتر این جشنواره انجام شده است؟

در واقع شعر در ایران، به دلیل پیشینه تاریخی و جایگاه فرهنگی‌ای، طیف متنوعی از کنشگران، کارگزاران و دوستداران را نسبت به همه هنرها، در برمی‌گیرد. این واقعیتی هست که جامعه ما دارد و موقعیت و پیشینه شعر مردمان ایران زمین، خودش کار را دشوارتر می‌کند. یکی از دشواری‌های حوزه شعر ایرانی به عنوان یکی از هنرهای کلامی، پیشینه بلند تاریخی آن در کشورمان است.

به هر حال جشنواره شعر فجر نسبت به جشنواره‌هایی چون فیلم، موسیقی یا تئاتر دیرتر شکل گرفت و ماهیت نوشتاری بودن شعر، آن را با جشنواره‌های دیگر کاملاً متفاوت می‌کند. از سوی دیگر، در جامعه شعر، نوعی اجتناب تاریخی از رویدادهای رسمی وجود داشته و دارد؛ چه پیش از انقلاب و چه پس از آن. این مسأله باعث شده جشنواره شعر فجر هرگز نتواند همه بضاعت شعری یک‌ساله را گرد هم بیاورد. البته شاید یکسری مسائل دیگر هم به این رویداد دامن زده باشد. ولی باید چاره‌اندیشی شود تا همه بضاعت شعری کشور در جریان‌های مختلف شعری فعال در عرصه ادبیات امروز بتوانند در این عرصه خود را بیازمایند.

به علاوه باید به واقعیت کلی جهان هم توجه داشت که در روزگار ما، شعر در مقابل بسیاری از هنرهای دیگر مثل سینما و موسیقی و حتی داستان، عقب‌نشینی کرده و ضریب نفوذ و قدرتش را نسبت به ۵۰ سال پیش از دست داده و این واقعیتی انکارناپذیر است. این کاهش مخاطب، هم در تیراژ کتاب‌ها و هم در میزان توجه عمومی جهان قابل مشاهده است و البته، این کاهش مخاطب شعر، یک پدیده جهانی به شمار می‌آید. هر چند که شعر کلاسیک ما همچنان موقعیت و جایگاه بالایی خود را در میان مردم حفظ کرده، ولی شعر امروز نتوانسته به ضریب نفوذ شعر کلاسیک برسد. شاید نحوه اجرای جشنواره شعر فجر هم به این موضوع دامن زده باشد.



ویترین ملی و بین‌المللی شعر فارسی



محمد کاظم کاظمی

عضو هیأت

داواران جشنواره

شعر فجر

امروز دوباره دادگستر شده‌ایم مستوجب یک رزق مقدر شده‌ایم بردار و بیار دآوری‌هایت را

حافظ، در جشنواره داور شده‌ایم سال ۱۳۹۱ بود که این رباعی را به صورت بالبداهه در مسیر جلسه دآوری جشنواره شعر فجر نوشتم و به جناب دکتر محمدرضا ترگی فرستادم که من و ایشان هر دو در گروه دآوری جشنواره بودیم در بخش شعر کلاسیک. و اینک، زمان گذشت و ساعت چهار بار نواخت، بلکه نه چهار بار، بلکه سیزده سال نواخت و من و دکتر ترکی باز هر دو، در یک جشنواره داور شدیم، به اتفاق دیگر اعزه و اجله شعر و ادب، ابراهیم اسماعیلی اراضی، بهزاد خواجهات، سعید بیابانکی و محمد رضائی فرخانی.

کاروان بیستمین جشنواره شعر فجر به سرمنزل خود نزدیک شده است، آن هم در ایامی که اوضاع منطقه ملتهب است. دآوری‌ها هم در ایام ناآرامی‌های خیابانی برگزار شد و به این سبب، بسیاری از برنامه‌های جشنواره از جمله برگزاری اختتامیه و نیز محافل شعر تحقق نیافت. امیدواریم که دوباره روزهای آرامش و اطمینان به کشور برگردد و همین مختصر فعالیت‌های ادبی که وجود داشته و اینک لاجرم کم‌روفق شده است، رونق پیشین خود را باز یابد.

در این یکی دو سال، بزرگ‌ترین رویدادهای شعری کشور، جشنواره شعر فجر بوده‌اند و مسابقه تلویزیونی «سرزمین شعر» که آن هم باز به دلایلی قریب به ده ماه برگزار نشده است. افزون بر این البته ما جشنواره‌ها و رویدادهای دیگری نیز داریم همچون جایزه دوسالانه شعر حسین منزوی و جایزه قیصرآمین‌پور و جشنواره‌های دفاع مقدس. ولی جشنواره شعر فجر همواره یک برنامه خاص و در مقیاس ملی بوده است، هم به سبب اینکه همه کتاب‌های شعر منتشرشده در یک سال را شامل می‌شود، هم به سبب اینکه خاص یک قالب یا یک موضوع نیست. در واقع فراگیرترین برنامه است و انتظار هم می‌رود که امکانات و گستره آن به همین میزان فراگیر باشد. ولی آیا به راستی این آرزو همیشه تحقق می‌یابد؟

در همه رویدادهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی که در کشور رخ می‌دهد، شعر پیش از همه هنرها و بیش از دیگران حداقل از نظر کمیت، حاضر است. اگر رشادت‌ها بوده است، اگر شهادت‌ها بوده است، اگر مناسبت‌های ملی و حوادث تلخ و شیرین بوده است. ولی واقعیت را باید انکار نکرد که رویدادهای مربوط به شعر همیشه فقیر بوده‌اند، نه از جهت محتوا، بلکه از نظر امکانات، و امسال که این شرایط خاص، جشنواره را باز هم لاغرتر ساخته است.

جشنواره‌ها ویترین‌ارائه محصولات آن هنر یا موضوع خاص هستند. مثل نمایشگاه کتاب، مثل جایزه کتاب سال. ولی همان‌طور که برگزاری نمایشگاه یا جایزه کتاب سال برای رشد کتاب و کتاب‌خوانی در کشور کافی نیست، خود رویداد جشنواره هم کافی نیست. ورزیدگی شاعران نه در جشنواره، که در جلسات نقد و آموزش شعر، در جلسات نقد کتاب، در کارگاه‌ها و نیز اردوهای آموزشی رخ می‌دهد. خانه کتاب و ادبیات ایران و دیگر نهادهای فرهنگی البته دستي در کار این برنامه‌ها هم دارند، ولی دیگه‌هایی با تنگنای امکانات و تسهیلات این برنامه‌ها. با این حال من ضروری می‌بینم به حداقل دو فعالیت دیگر از خانه کتاب و ادبیات ایران اشاره بکنم، یکی «ایپایگاه شعر» است که محلی است برای نقد شعرهای شاعران جوان به صورت مکتوب و دیگری دوره آموزشی «کلک خیال» که گرده‌هایی شاعران جوان و برگزار برنامه‌آموزشی برای آنان بوده و معمولاً هم مقارن با اختتامیه جشنواره برگزار می‌شده است.

برای من حضور در اختتامیه، بیش از جنبه مراسم آن، از جهت همین کارگاه «کلک خیال» اهمیت و جاذبه داشت. قابل درک است که امسال و در این اوضاع آن برنامه هم به تعویق افتاده باشد، ولی امیدوارم که به تعطیلی نکشد. اگر بنیه آموزشی شعر مملکت قوی نباشد، محصول آن نیز چشمگیر نخواهد بود. و برگزاری محافل شعر باز از برنامه‌های سودمند جشنواره شعر فجر بود، به خصوص محافلی که در شهرهای دورتر برگزار می‌شود و گاه با برنامه‌های آموزشی نیز همراه بود.

در این میان چا دارد که به عنوان یک فارسی‌زبان غیرایرانی، به محافل شعر و فعالیت‌های ویژه فارسی‌زبانان دیگر کشورهای دنیا اشاره کنم. واقعیت این است که جشنواره شعر فجر نه تنها گسترده‌ترین رویداد شعری ایران، که بزرگ‌ترین رویداد شعری زبان فارسی در کل جهان است. و از جایی دیگر بسیاری از فارسی‌زبانان این کشورها در سرزمین‌های خودشان با بی‌مهری حکومت‌ها نسبت به این زبان مواجه‌اند. جشنواره شعر فجر می‌تواند بخشی از این بی‌مهری‌ها را جبران کند به خصوص در مورد فارسی‌زبانان افغانستان و ازبکستان که بیشتر در کشورهای خود محروم از توجهات حکومتی هستند.

باری در جشنواره یازدهم شعر فجر، بخشی ویژه برگزار شد که به آثار شعری ده سال اخیر افغانستان اختصاص داشت. و از آن زمان قریب به ده سال می‌گذرد. چه خوب است که باری دیگر آن رویداد هم تکرار شود و جشنواره بعد مثلاً و اگر افغانستان جشنواره شعر فارسی ندارد، محصولات شعری یک دهه آن دیده و معرفی شوند. همین طور در مورد فارسی‌زبانان دیگر کشورها هم این اتفاق می‌تواند رخ دهد. می‌پذیرم که این قضیه خرج دارد به خصوص در این اوضاع اقتصادی. ولی ما دیده‌ایم که در بعضی از رویدادهای و مناسبت‌ها و کنگره‌ها و همایش‌های تشریفاتی، چه خرج‌های سنگینی می‌شود برای دعوت میهمانانی از اقصی نقاط دنیا. باری برای یک رویداد، میهمانی دعوت کرده بودند از کشوری در جایی دور از این جهان که هیچ پرواز مستقیمی یا غیرمستقیمی از آنجا به ایران وجود نداشت و شخص با طی طریق از چند کشور و پروازهای متوالی از چند فرودگاه، به تهران رسیده بود. سرانگشتی حساب کردم، هزینه رفت و برگشت اومی می‌توانست یک تور مسافرتی از شاعران فارسی‌زبان افغانستان و کشورهای مجاور به ایران را تأمین کند. و آن قضیه چقدر می‌توانست آورده داشته باشد؟ بسیار.

اما از دآوری جشنواره شعر فجر شروع کردم و به دآوری ختم کنم. همواره با هر دآوری جشنواره، مرا ترسی شفاف فرامی‌گیرد از اینکه کار دقیق و درست انجام شده باشد و حق شاعران خوبی که در جشنواره شرکت کرده‌اند گزارده شود. ولی بالاخره ما همه انسانیم و ممکن الخطا (نمی‌گویم جازای‌الخطا). امیدوارم که آنچه در این میان اتفاق افتاد و در اختتامیه اعلام خواهد شد، عادلانه و دقیق باشد. سطح کتاب‌ها بسیار نزدیک بود و ترجیح دادن بین آنها خیلی دشوار.

